

یادداشت

ورزشگاه آزادی منتظر ما بمان

پردیس کریمی

«در خیال ما استادپومرفته‌ها آزادی هبیتی عظیم داشت. سرزمین موعود هواداری که هربار خودمان را روی سکوهای پرشورش در لباس تیم محبوبمان تصور می‌کردیم و حظ می‌بردیم. در روزهایی که گذشت از چپ و راست دستورالعمل‌های شوخی و جدی زیادی برای اولین حضور زنان در آزادی خواندیم و شنیدیم و همه در یک مورد متفق‌القول بودند: اتفاق هیجان‌انگیز و یگانه‌ی اولین گذر از تونل آزادی و رسیدن به چشم‌انداز زمین چمن و سکوهای افسانه‌ای ستادیوم.

«بعد از ارائه‌ی بلیط از گیت گذشتم و داشتم با خودم فکر می‌کردم که کی به تونل مشهور آزادی می‌رسم که چند قدم جلوتر سبزی چمن چشمم را گرفت. خیلی‌ها مثل من با گام‌هایی لرزان و قلبی در مشت از آن تونل گذشتند و دقایقی مقابل منظره‌ی تمام و کمال آزادی خشکشان زد. حسرت در دل‌ها موج می‌زد: عابدزاده را از روی این سکوها تشویق می‌کردیم، نام کریم باقری، علی کریمی، فرهاد مجیدی، علی دایی، خسرو حیدری، مجتبی جباری و خیلی‌های دیگر را از روی این سکوها فریاد نزدیک، شاید اگر از زنان حاضر در ورزشگاه می‌خواستی که نام یکی از بازیکنان محبوبشان را فریاد بزنند، خیلی‌ها در تلاش برای فراموش کردن سال‌های تلخ ممنوعیت ورزشگاه نام قدیمی‌های فوتبال ایران را فریاد می‌زدند. در عوض زنان آزادی دندان خشم بر جگر حسرت خود فشرده و از ساعت‌ها قبل از آمدن بازیکنان به آزادی، به تشویق بی‌وقفه‌ی تیم ملی پرداختند. قسم می‌خورم که آزادی هرگز تماشاگرانی چنین پرشور و خستگی‌ناپذیر را به خود ندیده بود. تیم ملی حالا تماشاگرانی دارد که می‌تواند نه فقط برای نود دقیقه بلکه برای ساعت‌ها قبل و حتی بعد از بازی روی آنها حساب کند. «برای کسانی که سعی در ثبت حال و هوای اولین تماشاگران زن ایرانی در ورزشگاه آزادی، که تازه نامش قرارنده‌اش شده، را داشتند حتی یک لحظه پلک زدن هم محال بود. روح فوتبال سکوهای A۶ تا A۱۰ آزادی را تسخیر کرده بود. جالب حضور زنانی از همه‌ی سنین و با نوع پوشش و شاید اعتقادات متفاوت بود، زنانی که تنها پیوندشان عشق به فوتبال و حسرت حضور در ستادیوم‌ها بود و همین رشته‌ی پیوند آن‌قدر محکم به هم گره‌شان زده بود که هم‌صدا و هم‌دل ساعت‌ها فریاد کشیدند و دست زدند و پا کوبیدند. در روزی که حتی مامورین انتظامی هم نمی‌توانستند در برابر شور بی‌امان سکوها و شاهکار بچه‌های تیم ملی در زمین تفاوت باشند و گاهی از قالب رسمی خود درآمده و تبدیل به هواداری می‌شدند که در پی گل زدن تیم محبوبش دست‌ها را به هم کوفته و لبخند پیروزی می‌زند، آزادی تجربه‌ی متفاوت و زیبایی داشت. در پایان بازی بچه‌های تیم ملی برای تشکر از حمایت بی‌دریغ و تشویق‌های تمام‌نشدنی دختران آزادی به سمت سکوهای زنان آمدند، ما که فکر می‌کردیم دیگر طعم هیجانی شدیدتر از حضور در آزادی را نمی‌چشمیم ناگهان با موجی از احساسات روبرو شدیم که جز با فریاد از جان و گریه‌ی بی‌امان قابل ابراز نبودند؛ پس از سال‌ها نادیده گرفته شدن، بالاخره چشم جهانی به ما خیره شد. آزادی تازه منفجر شده بود…»

«کسی دلش نمی‌خواست جادوی این روز فراموش‌نشدنی تمام شود اما وقت رفتن رسیده بود. زنانی که یکی از زیباترین روزهای تاریخ فوتبال ایران را رقم زده بودند در آخر با تمیز کردن سکوها از میزبانی آزادی قدردانی‌کردند. در روزی که خیلی‌ها باز هم پشت درهای بسته‌ی آزادی ماندند و راهی به سکوهای خالی آزادی نیافتند، تنها دلخوشی آرزوی دیدار مجدد در بازی‌های بعدی بود که یکی از زنان نیروی انتظامی خطاب به ما به زبان آورد. سخت بود اما یکی یکی دل از آزادی کندید و در پایان با چشمانی تر و گام‌هایی لرزان با آزادی وداع کردیم، در حالی که در دل همه یک سوال بود: دوباره روی استادپوم را خواهیم دید؟

سعید سرفرازیان / روزنامه نگار

سال‌های سال زنان و دختران ایرانی برای ورد به ورزشگاه و تماشای مسابقات فوتبال منع شده بودند. زنان و دختران ایرانی هم دوست داشتند پا به پای مردان و پسران به ورزشگاه‌ها بایند و از دیدن مسابقات فوتبال لذت ببرند. دختران ایرانی برای رسیدن به سکوهای ورزشگاه دست به کارهای ابتکاری زدند گریم کردند تا در هیبت یک پسر به ورزشگاه راهی پیدا کنند که بارها لو رفتند و حتی منجر به بازداشت آن‌ها هم شد، اما تجربه‌ی هیجان تماشای مسابقات فوتبال از نزدیک چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت تا زنان و دختران که نصفی از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند از این حق مسلم محروم شوند. هرز چند گاهی از برخی مدیران و مسئولان کشوری برای صدور مجوز حضور هواداران بانو در ورزشگاه‌ها حرف‌هایی به گوش می‌رسید که معمولاً جنبه‌ی تبلیغاتی داشت و هرگز به مرحله‌ی عمل نرسید. اتفاق تلخی که برای سحر خدایاری موسوم به دختر ای از شهروم ماه نود و هشت رخ داد باعث شد تا خیلی‌ها به این موضوع حساس‌تر شوند یکی از این نهاده‌ا فیفا بود که پیش‌تر هم به فدراسیون فوتبال ایران بابت فراهم کردن شرایط ورود بانوان به ورزشگاه‌ها تذکر داده بود، اما اتفاق دختر آبی فیفا را به تک و تا انداخت تا این موضوع به سرانجام خوبی برسد و به همین دلیل فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش اجازه‌ی ورود زنان و دختران ایرانی را بدون

برانکو:حسرت جام آسیایی با پرسپولیس در دلمان ماند

حمید ابراهیمی: برانکو که بعد از جدایی از پرسپولیس راهی الاهلی عربستان شد بعد از اتفاقاتی عجیب از این تیم اخراج شد؛ او اکنون درباره مسیر منتهی به جدایی‌اش از پرسپولیس، برکناری از الاهلی، مطالباتش از پرسپولیس و شرایط کالدرون و مسائل جالب دیگری صحبت کرده، که در ادامه می‌توانید آن را بخوانید.

«دادگاه رای به قهرمانی پرسپولیس در سوپر جام داده است تا یک جام دیگر هم به دوران حضورتان در این تیم اضافه شود.

این جام چیزی نیست که در حال حاضر برای پرسپولیس به دست آمده باشد و در همان روز بازی که تیم حریف در زمین حاضر نشد این جام به ما رسیده بود. شکایت به فیفا و مراجع بین‌المللی قرار نبود تغییری در این موضوع ایجاد کند و کاملاً روشن بود و می‌دانستیم که قرار است این اتفاق رخ دهد و دیدید که حکم هم صادر شد و همه چیز در آن مشخص بود.

«فتخ که در طول ۴ سال حضور در ایران آمار شگفت انگیزی است.

بله دوران شیرین و فراموش نشدنی‌ای بود ولی حیف که حسرت جام هشتم که همان جام قهرمانی در آسیا بود برای ما باقی ماند و با وجود اینکه برای آن سخت تلاش کردیم و تا یک قدمی آن هم نرسیدیم نتوانستیم به دست بیاوریم و این یک حسرتی است که برای همیشه در من باقی می‌ماند.

« شما گفته بودید دوست دارید در پرسپولیس بمانید یا تا این تیم قهرمان آسیا شوید ولی زودتر از این مورد، و به شکل غیر منتظره‌ای از تیم جدا شدید. به توفه متأسفانه در صحبت‌هایی که با باشگاه داشتیم به توافق نرسیدیم و من نتوانستم قرارداد ما را به شکلی که می‌خواستیم و دوست داشتم با پرسپولیس به پایان برسانم و زودتر از موعد این تیم را ترک کردم. در چهار سال حضورم دراین تیم نتایج فوق‌العاده‌ای گرفتیم و در فصل آخر بهترین تیم دنیا بودیم چرا که هم ۳ جام داخلی کسب کرده و هم در فینال لیگ قهرمانان قاره حاضر شدیم و هیچ تیمی فصل گذشته همه این موارد را با هم تجربه نکرد و از این نظر می‌گویم بهترین تیم دنیا بودیم. با این حال شرایط به گونه‌ای پیش رفت که ناچار به جدایی شدم و خودم هم از این موضوع خوشحال نبودم.

از انتظار بود. « قطع همکاری زودهنگام شما با الاهلی هم دور بود.

بله واقعاً نمی‌دانم چرا چنین اتفاقی افتاد. من با برنامه برای الاهلی وارد این تیم شدم و قصد داشتم به تیمی بروم که با آن به قهرمانی لیگ عربستان برسم و پس از بررسی‌هایی که داشتم متوجه شدم الاهلی چنین پتانسیلی دارد و هنوز هم می‌گویم شانس زیادی برای قهرمانی در لیگ عربستان دارد ولی نمی‌دانم چه شد که خیلی زود این تصمیم را گرفتند. شاید با شرایط کار من و روش من موافق نبودند که دست به چنین تصمیمی زدند و باشگاه شرایط کار من را نتوانست تحمل کند. « در این مدت حاشیه‌هایی در رختکن هم به وجود آمد که درگیری با عمر سومای یک نمونه آن بود. این موارد به نظر می‌رسد در قطع همکاری شما با الاهلی مؤثر بود؟ بله این هم یکی از دلایل مهم قطع همکاری ما بود و من قصد داشتم به شیوه خودم با بازیکن برخورد کنم ولی باشگاه در اینجا از من حمایت لازم را نداشت و اجازه نداد روش خودم را به کار بگیرم و منجر به قطع همکاری شد. « شما بارها به ایران و مردمش ابراز علاقه کردید و

قفل آزادی برای حضور بانوان برداشته شد!

آرامش یک روز پاییزی در جشن ملی فوتبال ایران



گزینش خاصی در بازی های ملی صادر کردند. تا برای اولین بار در بازی تیم ملی ایران و کامبوج زنان و دختران به ورزشگاه آزادی بایند و از نزدیک از دیدن بازی ملی‌پوشان ایران لذت ببرند. اگر از تمام مسائلی که باعث شده بود تا این موضوع به مرحله‌ی اجرا و عمل نرسد بگذریم، اما نمی‌توانیم از هیجان و شادی بانوان بابت این اتفاق تاریخی بگذریم. حضور زنان و دختران ایرانی با پرچم سه رنگ و زیبای ایران روی سکوهای ورزشگاه آزادی در یک روز زیبای پاییزی که منجر به یک پیروزی پرگل برابر تیم کامبوج هم شد

در بسیاری از جاهای دیگر همراه هم اتفاقات بزرگی را رقم زده‌اند. پس چرا نباید در ورزشگاه‌ها هم در کنار هم و در یک فضای سالم از تماشای فوتبال لذت ببرند. حالا زنان و دختران علاقمند منتظر هستند که در بازی‌های آینده تیم ملی و حتی مسابقات باشگاهی هم امکان حضور بیشتری برای آن‌ها فراهم شود. شور و شوق ایجاد شده در نگاه درخشان دختران ایرانی برای رسیدن به یک حق طبیعی و مسلم با هیچ چیز دیگری قابل قیاس نیست. بیایید جشن های ملی را با هم و در کنار هم برگزار کنیم نه اینکه با داستان و قصه بافی های الکی فاصله‌ها را زیاد کنیم. ایران به این اتفاقات شیرین بیشتر از همیشه نیاز دارد. ایران برای ایرانیان شاد و سرزنده ای است که برای آبادانی و عمران کشورشان به انرژی و سرزندگی نیاز دارند. هر مسئله‌ای با منطق و استدلال صحیح به سرانجام خوبی خواهد خورد. حرف های هم دیگر را بشنویم و سپس تصمیم بگیریم . در هر موضوعی مخالف و موافق وجود دارد و هر گروه نیاز است که حرف خود را بزند هر گروه با شرایط برابر و متعادل تا همگان طعم شیرین عدالت و انصاف را حس کنند. خشم و هیاهو بر اثر موانع غلط به وجود می‌آید و گرنه همه وقتی امکان بیان حرف‌های خود را داشته باشند آرام و صبور خواهند شد. ایران متعلق به همه‌ی ایرانیان است. چه مردان شجاع و چه زنان باوقار. پس این اتفاق می‌تواند به عنوان یک نقطه‌ی عطف برای پرهرمندی بیشتر از توان و ظرفیت جامعه و حل مشکلات بزرگ مورد توجه قرار گیرد.



کردید و به الاهلی رفتید درست است؟ اصلاً اینطور نیست. من بابت دریافت حق و حقوقم از پرسپولیس از این جدا شدم و چیزی بیشتر از حتم از باشگاه نتوانستم و اگر این این مشکلات نبود به قراردادام پایبند بودم. من در این سال‌ها بارها از الاهلی پیشنهاد دریافت کرده بودم و به جز این تیم از ژاپن، چین، مصر، ازبکستان و امارات پیشنهادت خوبی داشتم و همین الان هم به پیشنهاد خوبی از امارات دارم. زمان قرارداد اولیه من با الاهلی تیر ماه بود ولی امضای نهایی را در مردادماه انجام دادم و عجله‌ای برای پیوستن به این تیم نداشتم.

تا چه زمانی همسر شما خانه‌نشینی‌تان را تحمل می‌کنند؟ (خنده) خیلی طول نمی‌کشد و فکر می‌کنم به زودی به رقابت جدیدی و پروژه جدیدی برمی‌گردم. « شما در مراسم برترین‌ها هم مربی برتر فصل فوتبال ایران شدید. این جایزه به دستتان رسید یا برای دریافتش برنامه‌ای دارید؟

افتخار بزرگی است و باعث خوشحالی است که مربی برتر فصل فوتبال ایران شوم و هرکسی هم این عنوان را به دست بیاورد باید به آن افتخار کند. ولی باید بگویم این جایزه مال من نیست. متعلق به باشگاه، هواداران، بازیکنانم و همکارانم که شبانه روز برای موفقیت تیم تلاش کردند است و از همه اولیای هم تشویع بخش باشد؟

کالدرون یک مربی بسیار با کیفیت است که در پشت خودش یک سابقه قوی بر جا گذاشته است که در هر جا بوده یا قهرمان بوده یا نتوانسته افتخارات زیادی کسب کند. به عقیده من معلومات و دانش او می‌تواند باعث شود پرسپولیس به مسیر پیروزی در بیاید طبیعتاً نیاز به زمان دارد و این یک امر کاملاً طبیعی است که تیم به خاطر تغییراتش دچار نوسان شده باشد ولی این را هم در نظر داشته باشید قرعه بعدی داشتند و مسابقات سختی در ابتدا به پرسپولیس خورده است و در ادامه شرایط می‌تواند بهتر شود.

« شایعاتی مطرح است که شما قصد داشتید در صورت ادامه حضورتان بازیکنانی نظیر سیدجلال و ماهینی و چند بازیکن قدیمی دیگر تیم را کنار بگذارید. این تا چه حد به واقعیت نزدیک است؟

چه کسی به شما گفته من چنین قصدی داشتم؟ خودتان ای فرمایید شایعه است و من چنین چیزی را هرگز به زبان آوردم و نه با کسی در مورد حرف زدم من فقط عنوان کردم کدام بازیکنان را به دنبال جدشنان بومد و به نحوی هم به باشگاه اعلام کردم بازیکنان حال حاضر باید در تیم بمانند.

« یکی از بدشناسی‌های شما کار همزمان با کپروش در ایران بود که چالش‌های زیادی داشتید ولی حالا ویلموتس به جایش آمده و رفتار متفاوتی دارد. برای مثال بازی‌های لیگ را از نزدیک ببیند. من بدشناسی نداشتم و کی‌روش بدشناس بود که من در زمان او هدایت پرسپولیس را بدست داشتم. واقعاً چه کسی به کی‌روش اجازه داد در ۸-۷ سال حضورش در ایران حتی یک مسابقه را هم نباید از نزدیک ببیند؟ این رفتار به هیچ وجه حرفه‌ای نبود و برعکس کاری که ویلموتس انجام می‌دهد حرفه‌ای ترین کار یک مربی است که با تعامل با افراد و تبادل نظر بهترین تصمیم را بگیرد. این مهم‌ترین و جدی‌ترین رویکرد یک سرمربی است که از کسی مثل ویلموتس انتظار می‌رود. « حضور دو بازیکن ایرانی یعنی محرمی و مهدی‌خانی در کرواسی را چطور می‌بینید؟ شرایط خوبی دارند و خوش‌بین هستم. صادق محرمی در تیم خودش فیکس است و مهدی‌خانی به دنبال اثبات جایگاه خودش می‌گردد و دروازدین شاید اوضاعش خوب نباشد ولی برای مبارزه تلاش می‌کنند. شرایط خوبی دارند و خوش‌بین هستم. صادق محرمی روی بانوان باز شد و برای اولین بار توانستند مسابقه را از نزدیک ببینند. احتمالاً این تصمیم از سوی فیفا اعمال شده و باعث خوشحالی است. البته پیش از این هم یک بار در بازی با بحرین زمانی که من مربی تیم ملی بودم این اتفاق رخ داده بود که مربوط به حدود ۱۵ سال پیش است و در فینال لیگ قهرمانان هم بانوان آمدند و این اتفاق اولین بار نیست. خانم‌ها عاشق فوتبال هستند و حق دارند این جو را تجربه کنند و در کنار ورزشکارانشان که نماینده آنها هستند حضور داشته باشند.

اخبار

دم شما گرم برادر خستگی ناپذیر کامبوجی ام! برای بهترین تماشاگر امروز بازی ایران – کامبوج مصطفی مسجدی ارانی چقدر همه ما به یکی مثل تو نیاز داریم که روزی که باختیم، روزی که بد باختیم، روزی که چهارده گل خوردیم، سرمان را برگردانیم و ببینیم هم‌چنان روی سکو ایستاده و طبل می‌زند و توی بلندگو، اسممان را داد می‌زند. خانم ما به استادپوم رفتند و لابد خیلی‌ها درباره چنین روز مبارکی می‌نویسند که نمی‌ از جامعه ایران توانست، ولی به شکل محدود و بعد از کلی رنج و مصیبت، به حق بدیهی خود برسد. من اما دوست دارم از تو بنویسم. از تو ای برادر کامبوجی،تلوزیون تا گل سوم چهارم نشانت داد. نشان داد که آنجا آمدی با سه پرچم و دو طبل و یک بلندگو. بعد از آن گل‌ها دیگر نشانت نداد ولی لابد هنوز هم همان جا، در استادپوم ایستاده بودی.

ایستاده بودی و خرد شدن تیمت را تماشا می‌کردی. اگر اینقدر اهل فوتبال بودی که برای تیمت آمده بودی تا اینجا، تا ورزشگاه آزادی، لابد قبل از بازی هم می‌دانستی که اوضاع چطور است. لابد می‌دانستی که تیمت رده ۱۶۹ رده‌بندی فیفا است و با تیمی بازی می‌کند که بیست و سوم دنیا است. پس برای برد و یا حتی مساوی نیایده بودی. آمده بودی که باخت را ببینی. خرد شدن را.

راستش را بخوای این کارها خیلی شجاعت لازم دارد. خیلی معرفت می‌خواهد که تکت و تنها بیایی و جلوی هفت هشت هزار نفر، اینطور، سنگ روی یخ شوی. خیلی باید مشت‌ی باشی که بیایی و یک گل، دو گل، چهارده گل بخوری و باز هم بایستی و ثبیت را تشویق کنی.

من از این شجاعت‌ها ندارم. من، حاضر نیستم حتی از این طرف تهران بروم آن طرف شهر تا باخت تیمم را ببینم. اصلاً اگر بدانم اوضاع اینطوری است شاید تلوزیون هم نبینم. من آدم روز پیروزی‌ام. من پاکار تیمم هستم به شرط اینکه ندانم، اینطور شکست خواهد خورد. ولی چقدر همه ما به یکی مثل تو نیاز داریم برادر کامبوجی.ا. یکی که حتی اگر چهارده گل خوردیم، ما را تشویق کند که ده‌ها گل دیگر نخوریم. یکی که همیشه نیمه پر لیوان زندگی‌مان را ببیند. یکی که جای سرزنش، تشویقمان کند و مطمئن باشد که در سال دیگر به آزادی، بباییم، کمتر گل خواهیم خورد.

چقدر همه ما به یکی مثل تو نیاز داریم که روزی که باختیم، روزی که بد باختیم، روزی که چهارده گل خوردیم، سرمان را برگردانیم و ببینیم هم‌چنان روی سکو ایستاده و طبل می‌زند و توی بلندگو، اسممان را داد می‌زند، آن هم وقتی که می‌داند در آن هیاهو، صدایش هم به ما نمی‌رسد. دمت گرم برادر کامبوجی. ممنون که امروز پا کار تیمت بودی. ممنون که نشان دادی، دنیا هنوز هم آدم بامعرفت دارد.

آقای اینفانتینو! پول ایران را پرداخت کنید تیم ایران در حالی کامبوج را گلباران کرد که پس از پایان بازی، مهدی طارمی ستاره ملی با گله از فدراسیون فوتبال، نسبت به عدم پرداخت پاداش های بازیکنان واکنش نشان داد و از فدراسیون خواست تا به قول ها و وعده ها عمل کند.

کی روز پس از این اتفاق، مهدی تاج با ارسال نامه ای به فیفا، از جیبی اینفانتینو خواست تا به پرداخت پاداش تیم ملی ایران کمک کند. علوی مدیر روابط عمومی فدراسیون در برنامه ورزش و مردم گفت که آقای تاج به فیفا نامه زده و خواستار پرداخت مطالبات تیم ملی شده و گفته که با وجود پیگیری های مستمر این پول به دست ما نرسیده، ما مشکلات جدی داریم که این مشکلات به خصوص در پرداخت حقوق مربیان و پاداش بازیکنان است. اگر این اتفاق رخ ندهد، مسئله و مشکل مهمی در روند رو به رشد ایران پیش می‌آید.

اغلب پاداش های تیم ملی به جام جهانی ۲۰۱۸ مربوط می‌شود؛ جایی که احتمالاً باشگاه ها نیز از آن نامعنت خواهند برد. متان آیه تاج به این شرح است:
جانب آقای جیبی اینفانتینو
رییس محترم فدراسیون بین المللی فوتبال(فیفا)
با سلام

ضمن تقدیر و تشکر از ابراز محبت جنابعالی به فدراسیون فوتبال و اینجانب درباره موضوع ورود بانوان، مایلم مسائلی را درباره موضوعات مالی فدراسیون فوتبال به اطلاع شما برسانم.
همانطور که مستحضرد علی رغم پیگیری های مستمر فدراسیون فوتبال و دستورات مثبت جنابعالی هنوز هیچ گونه وجهی از سوی فیفا توسط فدراسیون فوتبال وصول نشده است.

این مشکل که تاکنون به دلیل تحریم های بی اساس آمریکا به فوتبال ما تحمیل شده است، مشکلات جدی را برای فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است که حتی فدراسیون حقوق سرمربی تیم ملی و کادر فنی و پاداش بازیکنان را در دور جدید پرداخت نکرده است.

ادامه این روند مشکلات جدی را در مسیر رو به پیشرفت و گسترش فدراسیون فوتبال به وجود خواهد آورد.
انتظار من از خانواده بزرگ فوتبال کشور از جنابعالی این است که به هر شکل ممکن دستور فرمایید وجوه فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران از طرف فیفا یا به کنفدراسیون فوتبال آسیا پرداخت شود و یا بانکی را متقاعد کنید تا این مهم جهت انتقال مرتفع گردد.
منتظر مساعدت و پاسخ فوری حضرتعالی در این باره هستیم.